

جلسه سیام اعتقادات

«معاد- اهمیت عقائد، شفاعت، مسئله بعث، نشر، حشر،

صراط»

۱- اهمیت تصحیح عقائد

«أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله، لا
سيما على بقية الله روحى و أرواح العالمين لتراب مقدمه
الفداء و اللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين من الآن إلى
قيام يوم الدين»

أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «إِذَا
زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا * وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا * وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا

لَهَا * يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا * بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا * يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ
النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيَرَوْا أَعْمَالَهُمْ * فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ *
وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^۱

یکی از آدابی که باید هر مسلمانی داشته باشد این است که
عقایدش را درست کند و عقایدش را عرضه کند به راسخین
در علم، خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: تأویل قرآن را کسی
نمی‌داند جز خدا «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»^۲ کسانی که در علم
فرو رفته‌اند، به عمقش رسیده‌اند که البته بیشتر تفسیر به
ائمّه‌ی اطهار علیهم السلام شده است و لذا دأب مسلمانان و

۱ - سوره زلزله، آیات ۱-۸.

۲ - سوره آل عمران، آیه ۷.

آن‌هایی که می‌خواستند برای دینشان ارزش قائل باشند و آن‌هایی که جدّی بوده‌اند و باور کرده بوده‌اند آنچه خدا و پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده، خدمت ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام می‌رسیدند و عقایدشان را عرضه می‌کردند، یک نمونه‌اش جریان حضرت عبد‌العظیم حسنی است که آمد خدمت امام هادی علیه‌السلام و عقایدش را عرضه کرد.

۲- عرضه عقائد توسط زیارت آل یس

برای ما هم که در زمان غیبت کبری واقع شده‌ایم امام زمان ارواحنا فداه ما حاضر و غایب، ظاهر و غایب ندارد. امام

خودش دستور فرموده که هر وقت خواستید با ما تماس
بگیرید با این جملات که در زیارت صاحب الزمان که ما
اسمش را گذاشته‌ایم زیارت «آل یس» عقاید ما طبق آنچه که
خود حضرت بیان فرموده باید عرضه شود و لذا با سلامی که
در اوّل این زیارت هست عرض ارادت می‌کنیم به حضرت
بقیة الله ارواحنا فداه، تا آنجا که می‌رسیم که «أَشْهَدُکَ یا
مَوْلای» من تو را شاهد می‌گیرم ای مولای من؛ ای آقای من، ای
فرمانده‌ی پُرمحبّت من؛ اوّل از توحید شروع می‌کنیم و بعد
رسالتِ رسول اکرم صلی الله علیه وآله را شهادت می‌دهیم و
بعد حُجّیت یک یک از ائمّه علیهم السلام را عرضه می‌داریم

و بعد راجع به مرگ و عالم قبر و حشر و نشر به محضر
مقدّس‌شان شهادت می‌دهیم؛ که من یک وقتی تطبیق دادم
آنچه که در زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه معروف به
زیارت «آل یس» است با آنچه را که حضرت عبد العظیم
علیه‌السّلام خدمت امام هادی علیه‌السّلام عرضه داشت،
اگر آنچه در زیارت «آل یس» هست کامل‌تر نباشد ناقص‌تر از
آنچه که ایشان شهادت داده نیست.

بنابراین به مقتضیات وقت‌مان، به مقتضیات تجدید
عقایدمان اگر هفته‌ای یک مرتبه انسان باید تجدید عقاید
بکند، هفته‌ای یک مرتبه این زیارت را بخواند. اگر یک مقدار

می‌خواهد بیشتر با عقایدش آشنا باشد و عقایدش را تجدید
بکند، یادش نرود، روزی یک مرتبه اشکالی ندارد همان طوری
که نماز را ما هر روز پنج مرتبه می‌خوانیم و همان چیزهایی را
که خدای تعالی از ما خواسته تکرار می‌کنیم.

در زیارتِ «آل یس» می‌رسیم به اینجا که «وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْمَوْتَ
حَقٌّ» شهادت می‌دهم، خود کلمه‌ی شهادت به معنای این
است که می‌بینم، مرگ حق است. این یکی اوّلش اگر کسی
بگوید که من او را حق نمی‌دانم خیلی نادان است چون هر
روز صدها، هزارها نفر از این دنیا می‌روند و

گرگ اجل فتاده به گله یکایک می‌برد

این گله را نگر که چه آسوده می‌چرد

ما به چشممان می‌بینیم مرگ را، «أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ» در همین راستا باید جلو برویم؛ یعنی همان طوری که مُردن حق است، «أَنَّ نَاكَرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ» شهادت می‌دهم که نکیر و منکر حق است، البته همان طوری که در جلسات قبل گفته شد، نکیر و منکر برای کسانی که کافرِ مَحْضُ اند، نکیر و منکر تشریف می‌آورند و برای کسانی که مؤمن محض اند بشیر و مبشر تشریف فرما می‌شوند ولی بالاخره حق است.

۳- ملائکه هم می‌میرند سپس همه مبعوث می‌شوند

«وَ أَنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ، وَ الْحَشْرَ حَقٌّ» بعث همان وقتی است که اسرافیل در صور می‌دمد، بعد از اینکه خود اسرافیل، خود عزرائیل، خود حضرت جبرائیل، خود حضرت میکائیل همه می‌میرند و ضمناً در پرانتز این را عرض کنم که مرگ جدا شدن روح از بدن است و ما فکر می‌کنیم که اجنه و ملائکه بدن دیگر ندارند ولی این طور نیست، آن‌ها هم بدن دارند، اجنه از آتش خلق شده‌اند و ملائکه از نور سرد، فرق نور گرم با نور سرد این است که نور گرم همان آتش است، همان شعله‌های آتش است، نور سرد را تا چندی قبل کشف نکرده

بودند ولی در یک مجله‌ای من دیدم که در این کرم‌های شب چراغ نور سرد هست، نور دارد، محیطی را منور می‌کند، اما کمترین حرارت را ندارد. ذات مقدّس پروردگار ملائکه را از آن نور خلق کرده و لذا بدنشان از آن نور است و روحشان از عالم امر است همان طوری که روح ما از عالم امر است. جدا شدن روح از بدن ملائکه، جدا شدن روح از بدن اجنه یک مسأله‌ای است کاملاً شبیه به جدا شدن روح از بدن ما است، همه می‌میرند، ملائکه می‌میرند در روایت هست که وقتی صور اوّل دمیده می‌شود، بعد از مدّتی همه‌ی ملائکه هم که مربوط به ما هستند و کروی زمین هستند و رفت و آمدی با ما

داشته‌اند و دارند این‌ها هم می‌میرند و بعد خدای تعالی این روح را وارد بدن آن‌ها هم می‌کند - من چون مسأله‌ی ملائکه مربوط به مطالب ما نبود لذا در هفته‌های گذشته عرض نکردم.

و در صور دوّم که دمیده می‌شود، البته در همان اوّل سه صور دمیده می‌شود که یک صور حساب می‌شود که همه می‌میرند و در مرحله‌ی دوّم بعد از آن که آسمان‌ها به هم ریخت، بعد از آن که خورشید نورش از بین رفت، بعد از آن که زمین به وضع آن طوری که توضیح دادم قرار گرفت، بعد از آن صور بعدی دمیده می‌شود که حیات بخش است، همه‌ی موجودات از

نوع بشر که در کروی زمین یا در آسمان چهارم این‌ها هر کجا که بوده‌اند این‌ها باید با یک سرعتی به زمین بیایند، در زمین بیایند و نشری داشته باشند، حشری داشته باشند، لذا مرحله‌ی اوّل را بعث می‌گویند که باید ما معتقد باشیم، به امام زمانمان می‌گوییم: «وَ أَنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ».

۴- حقیقت حشر و نشر چیست؟

بعد عرض می‌کنیم که حشر و نشر هم حقّ است، محشور شدن همه با هم، همه در یک جا جمع شدن، بعد نشر است. نشر و حشر این‌ها دو مسأله است که در روز قیامت انجام

خواهد شد، محشور شدن با یکدیگر و برانگیخته شدن در روز قیامت و همه در یک جا جمع شدن را حشر می‌گویند و نشر همان که انسان از خاک بلند می‌شود، بدنش از خاک بلند می‌شود و یا اینکه منتشر می‌شود در روز قیامت که «فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ»^۳ این را می‌گویند نشر.

۵- صراط، راهی برای مؤمنین در قیامت

و بعد می‌فرماید: «وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ» صراط حق است، صراط را یک مقداری باید برایتان توضیح بدهم، انسان در کروی

۳ - سوره شوری، آیه ۷.

زمین وقتی که واقع شد، این کروی زمین دیگر بعد از قیامت
جای زندگی نیست، همان وقتی هم که قیامت برپا می شود
جای زندگی نیست، جایی که نه آب باشد، نه هوا باشد، نه
نور باشد، حرارت فوق العاده باشد جای زندگی نیست، بعضی
گمان کرده اند که گوشه ای از کروی زمین بهشت ساخته شده
و در گوشه ای دیگر جهنّم! این اشتباه است. وقتی که در
کروی زمین کار انسان ها تمام شد، همه ی آنها حرکت
می کنند؛ یعنی یک سیر صعودی دارند به بالا می روند
می رسند به یک مدار ناری، حرارت آن مدار از حساب خارج
است هر چه که در مقابلش قرار بگیرد ذوب می شود، حرارت

قابل تصوّر نیست، حرکت می‌کنند همه می‌روند به آن مدار که رسیدند، آنجا یک راه، صراط به معنای راه است، یک راه باز می‌شود. این راه فقط برای مومنین است، برای کسانی است که این‌ها اعتقاداتشان صحیح است، اگر به عقایدتان نرسید و توجّه نکنید و به حقیقت دست پیدا نکنید، این را بدانید به همان مدار ناری که رسیدید فوراً ذوب می‌شوید، یعنی فولاد را ذوب می‌کند هر چیزی که از آن سخت‌تر نباشد ذوب می‌شود، ولی خدای تعالی در قیامت به همه‌ی مردم اعلام کرده که مرگ دیگر برای شما نیست «كَلَّمَا نَضِجَتْ

جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ»^۴ خدایی که به یک چشم برهم زدن، خدایی که «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ لَشَيْءٍ أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۵ با یک کلمه ی «كُنْ» «يَكُونُ» انجام می‌شود آن خدا اراده کرده که شما ذوب نشوید فقط بسوزید، ان شاءالله شماها را نمی‌گوییم؛ معاندین، دشمنان دین ولی یک راهی تونل وار از داخل جهنّم باز شده در داخل این تونل افرادِ مؤمن وارد می‌شوند، البتّه مؤمنین هم با هم فرق می‌کنند، بعضی‌ها کند حرکت می‌کنند. انسان در آن تونلی که از میان آن آتش پُرحرارت کشیده‌اند اگر دیر عبور بکند اذیت هست، ناراحت

۴ - سوره نساء، آیه ۵۶.

۵ - سوره یس، آیه ۸۲.

هست، مشکل دارد افرادی که یک مقداری ممکن است
صفات رذیله داشته باشند، یک مقداری ممکن است هنوز
آمادگی برای بهشت نداشته باشند، آنجا یک مقداری در
فشارند، از آنجا بالاخره معتقدین و اهل تزکیه نفس، آنهایی
که در قیامت تزکیه نفس کرده‌اند، از این صراط عبور می‌کنند،
از این راه عبور می‌کنند، که می‌گوییم: «وَ أَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ»
از این راه انسان چطور ممکن است عبور کند؟ خدا آنقدر
معتقدین به حقایق را معطل می‌کند، در قیامت که خودشان
را تزکیه نفس کنند تا بتوانند از آن راه عبور کنند. در روز
قیامت خدای تعالی یک عده را آنچنان از آن صراط عبور

می‌دهد که اصلاً انسان نمی‌فهمد که کجا بود صراط! گاهی در اتوبانی با ماشین سریع السیری حرکت می‌کنید می‌گویند: یک پُلی در این راه هست، شما رسیده‌اید به مقصد، پُل را نفهمیدید کجا بوده. یک همچنین حالتی از صراط آن طور عبور می‌کنند، این‌ها کسانی هستند که در دنیا خودشان را ساخته‌اند، این‌ها کسانی هستند که غُل و زنجیرها را از دست و پایشان کنده‌اند، ماها خیلی غُل و زنجیر در دست و پایمان داریم؛ یک غُل و زنجیر محبّت دنیا است، یک غُل و زنجیر- فرض کنید- حبّ جاه است، حبّ ریاست است، حبّ رسیدن به بعضی از مقاصد بیخود و ریاست‌های بی‌جهت،

این‌ها هست، این‌ها همه غُل و زنجیر است، این غُل و زنجیرها را که علی ابن ابیطالب علیه‌السلام در دعای کمیل می‌فرماید: «وَقَعَدْتُ بِأَغْلَالِي» غُل‌های من، من را نشانده، من را از کار انداخته.

۶- مؤمنین در قیامت از مجرمین جدا می‌شوند

اگر می‌خواهید ان شاءالله تا از قبر بیرون آمدید و قیامت بر پا شد یک عده ملک بیایند خدمتتان، از طرف پروردگارتان سلام برایتان بیاورند، «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ»^۶ شما مجرمین

۶ - سوره یس، آیه ۵۸.

از میان این‌ها خارج بشوید، «وَأَمْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمِينَ»^۷
بروید بیرون، چرا ما باید برویم بیرون از میان این جمع، این‌ها
غُل و زنجیری ندارند، این‌ها پاکند، این‌ها در دنیا خودشان را
درست کرده‌اند، اعمالِ صحیح انجام داده‌اند.

شما مجرمید، جُرم دارید، مُجرمید در درگاه پروردگار «وَأَمْتَازُوا
الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمِينَ» خدا یکی دو تا کلمه با این‌ها صحبت
می‌کند «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ
عَدُوٌّ مُبِينٌ»^۸ من با شما عهد نکردم ای پسران آدم، ای مجرمین!
که در دنیا بندگی شیطان را نکنید. من یک وقتی عرض کردم

۷ - سوره یس، آیه ۵۹.

۸ - سوره یس، آیه ۶۰.

خدمتتان که اگر کسی در همین جنگ ایران و عراق مثلاً اگر باشد یک سربازی گاهی برود برای صدام کار کند، گاهی برای جمهوری اسلامی ایران، همین جمهوری اسلامی ایران که به نظر ما باید صد درصد طبق عدالت عمل بکند، این سرباز را می گیرند اعدامش می کنند چرا؟ تو آن طرف چرا رفتی؟ ما در شبانه روز بنشینیم «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا»^۹ قبل از اینکه روز حساب برسد، حساب خودمان را کنیم، در شبانه روز چند دفعه گوش به حرف شیطان می دهیم، چند دفعه گوش به فرمان رحمان هستیم؟ هر دو را که نمی شود جمع

۹ - غررالحکم، ص ۲۳۶.

کرد. لذا خدا در آنجا می‌فرماید: «وَأَمْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمِينَ *
أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ»^{۱۰} من با شما
قرارداد نبستم در عالم ذر، من با شما عهد نبستم در عالم ذر
اینکه بندگی شیطان را نکنید. «وَأَنْ اعْبُدُونِي» اگر می‌خواهید
به موفقیت برسید بندگی من را کنید، «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا
صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» ببینید برای صراط مستقیم چه باید کرد؟
بندگی خدا «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^{۱۱} خدایی که
بنای گُل زدن هیچ کس را ندارد، خدایی که هر چه شما
کنید به نفع او و شخص او نیست به نفع خود شماست،

۱۰ - سوره یس، آیات ۵۹-۶۰.

۱۱ - سوره یس، آیه ۶۱.

خدایی که آنقدر مهربان است - که من یک وقتی در بحث‌های همین جلسه بود عرض کردم- که خدا رحمانیتش شامل حال همه‌ی مردم می‌شود، حتّی شمر در همان گودی قتلگاه خدای تعالی به او جان داده، نفس داده، سلامتی داده و رحمانیتش شامل حال او هم شده، منتهی پا به مرحله‌ی مهربانی خاص باز نمی‌کند، مورد رحیمیت واقع نمی‌شود تا چه برسد به موقعیت رحمت خاص الخاص که صلوات باشد این دسته از مردم، این دسته‌ای که خدای تعالی جدایشان می‌کند از مجرمین، آن دسته مشمول رحمت خاص الخاص پروردگارند. «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنْ

الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ
مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^{۱۲} آنقدر به کمال این‌ها
رسیده‌اند، آنقدر ارزش روحی پیدا کرده‌اند که خدا را،
خودشان را از خدا می‌دانند، إِنَّا لِلَّهِ، ببینید شما وارد یک منزل
می‌شوید یک عده همراه شما هستند، شما می‌روید جلو در
خانه، می‌گویید: من با این خانه یکی هستم، می‌گویید که با
این‌ها هستم، «إِنَّا لِلَّهِ» ما با این‌ها هستیم، محرم و نامحرمی با
هم نداریم، یکی هستیم، یگانه هستیم این طوری صحبت
می‌کنید، این‌ها هم می‌گویند: «إِنَّا لِلَّهِ» ما مال خدا هستیم، با

۱۲ - سوره بقره، آیات ۱۵۵ - ۱۵۶.

خدا هستیم، کجا می‌روید؟ می‌رویم به طرف خدا، «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» آن وقت خدای تعالی می‌فرماید: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ» این‌ها از جانب خدا و از رحمت خاص‌الخاص برخوردارند، «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^{۱۳} همین مفلحونی هستند که اینجا خدای تعالی در سوره‌ی مؤمنین می‌گوید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» همین مؤمنینی هستند و مفلحونی هستند که می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاها» پس بنابراین، تزکیه‌ی نفس و کمالات، خودتان را تا می‌توانید پاک کنید و به این مقاصد خودتان را برسانید تا وقتی که سر

۱۳ - سوره بقره، آیه ۱۵۷.

از خاک انسان بلند می‌کند، بدنش را پیدا می‌کند، بدنش را دریافت می‌کند به او بگویند که «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ»^{۱۴} و مجرمین را از شما جدا کنند، چون یکی از ناراحتی‌های مؤمنین این است که در روز قیامت با مجرمین باشند، «وَأَمْتَارُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمِينَ، أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^{۱۵} راه راست این است. یک عده هستند، حُبِ طبعی است که خوبند و بلکه عقایدشان بسیار خوب است، این‌ها را هم از مجرمین جدا می‌کنند، مجرم غالباً به آن‌هایی

۱۴ - سوره یس، آیه ۵۸.

۱۵ - سوره یس، آیات ۵۹-۶۱.

می‌گویند که از نظر قلبی مجرم باشند و إِلَّا به کسی که از نظر عمل مُجرم باشد فاسق می‌گویند، آن مجرم قلبی، جُرم دارد، جریمه باید به خاطر این اعتقادش بشود، آن‌ها را جدا می‌کنند، در بین مردم معصیت‌کار هست که عقایدش خوب است، در بین همین «وَأَمْتَاؤُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمِينَ» همان‌هایی که خدای تعالی سلام به آن‌ها می‌دهد، حتی ممکن است به معصیت‌کارهایی که عقایدشان خوب باشد این سلام شامل‌شان بشود؛ یعنی شما سلامتید ولی باید کارتان را درست کنید، وارد گمرک انسان می‌شود می‌بیند که گذرنامه‌ی انسان را می‌گیرند می‌گویند مشکل دارد، امّا

می‌توانی مشکلش را رفع کنی و از اینجا عبور کنی، بعضی‌ها ممنوع الخروجند، اصلاً می‌گویند: آقا نمی‌شود، یک عده این طوری هستند.

شاید اکثر مردم در روز قیامت یک مشکلات مختصری داشته باشند، غیر از مخلصین که هیچ مشکلی ندارند، یک مشکلاتی داشته باشند، آنجا نوبت شفاعت می‌رسد.

۷- معنای شفاعت و علت شفاعت شدن پیامبران

شفاعت مثال مکرر برایتان زده‌ام. معنی شفاعت را بفهمید، شفاعت معنایش این نیست که هر چه هستی بیا من بر

می‌دارم تو را و می‌گذارم تو را در بهشت، نه این طوری
نمی‌شود، باید درستش کنند، باید اصلاحش کنند. حضرت
زهره سلام‌الله‌علیها از شُفعای بسیار بزرگ است.

حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بزرگ‌ترین شفیع است
که حتّی انبیاء را هم باید مشکلاتشان را رفع کند. شما فکر
نکنید چون انبیاء معصومند مشکلی ندارند، این‌ها در تبلیغ
رسالت بعضی‌هایشان مشکل داشته‌اند، تنها کسی که مشکل
نداشته در تبلیغ رسالت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده
است. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله هم اگر روز غدیر خم
جریان خلافت بلافصل علی ابن ابیطالب علیه‌السّلام را بیان

نمی‌کرد مشکل پیدا می‌کرد و لذا جبرئیل رسید «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ
بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ
يُعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»^{۱۶} و رسول اکرم صلی الله علیه وآله همان
جا در همین دنیا این کار را انجام داد، اما حضرت نوح وقتی
که مأیوس شد از اینکه مردم را بتواند هدایت کند، عرض کرد:
پروردگارا! «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا فَلَمْ يَزِدْهُمْ
دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا»^{۱۷} خدایا اگر این‌ها را بگذاری روی زمین، «لَا
يَلِدُوا»^{۱۸} این‌ها فرزندی نمی‌زایند مگر اینکه فاجر یا فاسق

۱۶ - سوره مائده، آیه ۶۷.

۱۷ - سوره نوح، آیات ۵-۶.

۱۸ - سوره نوح، آیه ۲۷.

است و نفرین کرد و آن طوفان را بوجود آورد، آن طوری که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله که می فرماید: «مَا أُوذِيَ نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أُوذِيْتُ»^{۱۹} صبر نداشت، این ها مشکل است، خدای تعالی پیغمبر را الگو قرار داده، برای انبیاء، پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله الگو است، اگر از این الگو کوچک ترین تخطی بشود، علی ابن ابیطالب علیه السلام که خلیفه ی پیغمبر است وقتی که صَعَصَعَه می رفت خدمتشان می فرماید: که من از همه ی انبیاء بالاترم و دلایلی را بیان می کند که وقت جلسه می گذرد و الاّ عرض می کردم و شاید هم

۱۹ - بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۵۶.

شنیده باشید. در مقابل، همه‌ی انبیاء آنها ضعف‌هایی داشتند، ضعف‌هایی که بر عصمتشان خدشه وارد نمی‌کند، ضعف‌هایی که بر نبوتشان و اولوالعزم بودنشان خدشه وارد نمی‌کند اما در مقابل و مقایسه با پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله این‌ها ضعف بوده و لذا پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله باید همه‌ی این‌ها را ضعف‌هایشان را برطرف بکند و در روز قیامت شفاعتشان بکند و این‌ها را وارد بهشت بکند. حالا ضعف‌هایشان چه هست بالاخره وقتی که آنها را با پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله مقایسه کنیم، معلوم است که نقص دارند نسبت به پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ولی

ما نمی‌فهمیم. تمام اولیاء خدا همه باید عرض ادب به پیشگاه پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بکنند و اظهار ارادتی بکنند و از کنار رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با اجازه‌ی رسول اکرم عبور کنند تا از صراط راحت ردّ بشوند.

۸- طریقه گرفتن نامه اعمال در قیامت

باقی می‌مانند کسانی که گناهکارند، کسانی که معصیت‌کارند، کسانی که در دنیا با دینشان، اسلامشان، اعتقاداتشان، قیامتشان برایشان آنقدر ارزش نداشته که خودشان را بسازند. با مردم کینه توزی می‌کردند، با مردم بدرفتاری می‌کردند، با

سوء ظن با مسائل مختلف و بدی‌ها با مردم روبه‌رو بودند، این‌ها هستند و اعتقادشان هم خوب است، شب عاشورا که شده آنقدر به سر و سینه‌ی خود زده‌اند که مجروح شده‌اند، محبتشان به حسین بن علی علیه‌السلام زیاد، محبتشان به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه زیاد، محبتشان به خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام زیاد است اما معصیت‌کارند، این معصیت‌ها نقص است برای این‌ها، پرونده‌ی این‌ها نوشته شده گناهان کبیره، گناهان صغیره اگر چه وقتی که به اصطلاح همه در قیامت محشور می‌شوند و همه ایستاده‌اند منتظر جواب الهی هستند، منتظرند ببینید چه بر سرشان

خواهد آمد؟ خدای تعالی این طوری هم جدایشان می‌کند، برگه‌هایی شبیه به برگ‌های کاغذ این‌ها فرو می‌ریزد روی سر این‌ها، هر کسی یک برگی که مربوط به خودش است می‌گیرد بعضی‌ها قدرت ندارند دستِ راستشان را دراز کنند، دستِ چپشان را می‌گیرند، بعضی‌ها قدرت ندارند که دستِ چپشان را دراز کنند با دستِ راست می‌گیرند، که همین علامت این است که جدا می‌شوید شما از مجرمین، آن‌هایی که اصحاب یمینند، آن‌هایی که دارای یُمن و برکت هستند، آن‌هایی که صحیح عمل کرده‌اند و اعتقاداتشان خوب است این‌ها جدا می‌شوند به وسیله‌ی همین، نامه‌های اعمال، حالا به چه

صورتی هست شاید به صورت کاغذ و این‌ها نباشد حالا هر چه هست. نامه‌های اعمال به دست انسان می‌رسد، جمعی هستند که می‌بینند گناه در دنیا نکرده‌اند اما همه جای نامه‌ی اعمالشان نوشته شده گناه، معصیت، این‌ها چه کسانی هستند؟ این‌ها کسانی هستند که غیبت کرده‌اند، تهمت زده‌اند، سوءظن به دیگران پیدا کرده‌اند، گناهان آن طرف آمده در نامه‌ی اعمال این و ثواب‌های این رفته در اعمال آن، این‌ها روایت دارد. گناهان انسان؛ یک نفر غیبت کرده البته نه هر غیبتی، یک غیبت‌هایی که آبروی طرف را برده، او را به زمین زده، او را شکسته، نگذاشته به مقاصدِ

خوبش برسد، این طور غیبت‌ها، این طور تهمت‌ها، این‌ها تمام گناهان این شخص را وارد نامه‌ی اعمال او می‌کند، شما اصلاً دروغ نگفته‌اید، شما اصلاً مال مردم را نخورده‌اید، می‌بینید همه‌ی نامه‌ی اعمالتان این طور هست، خیلی مواظب باشید، غیبت، تهمت، سوءظن، بدگویی، کارهایی که یک نفر را ممکن است به زمین بزند این‌ها را نداشته باشید، در کلماتتان، در سخنانتان، در اشاراتتان حتی، نداشته باشید، گاهی انسان با اشاره فلانی را می‌گویی؟ چه عرض کنم؟ همین، گاهی ممکن است که شما را آنچنان به زمین بزند که در روز قیامت ببینی آقا تو نماز شب خواندی ولی

نوشته این زنا کرده، تو نماز اوّل وقت خواندی بگویند: به تو که چه اعمالِ زشتی را انجام داده‌ای.

یک عده نامه‌های اعمال این طوری است که انسان می‌بیند که چه ثواب‌هایی اصلاً، من اهل این ثواب‌ها نبودم، من خیلی کم نماز شب می‌خواندم نوشته‌اند نماز شب را دائماً خوانده، خیلی از اعمال خوب را اصلاً من مقتضی نبوده برایم که انجام بدهم، من حجّ نرفتم نوشته‌اند هر سال به حجّ رفته. آن شخص وارد شهر کوفه شد در راه سفرش به مکه، دید یک علویه‌ای یک مرغ مرده‌ای را برداشت زیر چادرش کرد و بُرد خیلی حسّاس شد روی اینکه اقلّاً نهی از منکرش کنم بگویم:

مرغ مرده خوردنش حرام است! دیدم رفت وارد یک خانه‌ای شد گوش دادم دیدم بچه‌هایش، به بچه‌هایش می‌گوید که من مرغ برایتان آوردم این‌ها خیلی خوشحال شدند، من دق‌الباب کردم خود آن خانم را خواستم، گفتم: که تو چرا این کار را کردی؟ گفتم: بر من اُکل میته جائز است، الآن چندین روز است که بچه‌هایم غذا نخورده‌اند، می‌گوید: من با خودم گفتم: مبارک - اسمش مبارک است - مگه‌ی تو اینجاست، حجّ تو اینجاست، البته شاید حجّ مستحبی بوده، حجّت اینجا است، هر چه پول داشتم ریختم در دامن آن خانم و خودم تا همان بعد از موسم حج در همان شهر کوفه ماندم،

کارگری می‌کردم، وقتی که حجاج برگشتند که آن وقت‌ها حدوداً پنج، شش ماه سفر حج طول می‌کشید ولو از نزدیک‌ترین جاها می‌رفتند، حجاج وقتی برگشتند، من هم با آن‌ها برگشتم به شهرم که بصره بود، در آنجا دیدم که رفقا اصلاً تعجب نمی‌کنند که من همراه‌شان نبودم، حتی پول‌هایی را آوردند به من دادند گفتند: در سعی صفا و مروه ما بی‌پول شدیم از تو پول گرفتیم، هر چه خواستم بگویم: من نیامدم دیدم اصلاً قابل انکار نیست. بعد این طور به من گفتند که خدای تعالی یک ملکی را به شکل تو، با خصوصیات تو که با همه‌ی دوستان تو آشنا است در آن سفر قرار داده که به جای

تو اعمالِ حجّ را انجام بدهد و این را بدان تا روز قیامت هر سال برای تو همین ملک و به نفع تو همین ملک این کار را خواهد کرد.

در نامه‌ی اعمالش انسان می‌بیند هر سال رفته مگّه و حال اینکه مگّه نرفتم، در نامه‌ی اعمالش آنقدر ثواب‌ها، یک بچه‌ی یتیم را خوشحال کردم، یک نفر که محزون بوده از دست من رفتم حُزنش را برطرف کردم و بالاخره خیلی از ثواب‌ها هست که به اصطلاح علی‌البدلش در نامه‌ی اعمال ما می‌آید و خدای تعالی این شخص را با آن همه ثواب به پیشگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرستد.

۹- شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قیامت

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایت دارد که ارجی آیه‌ای که در قرآن هست، ارجی به معنای امیدوارکننده‌ترین آیه‌ی قرآن «وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»^{۲۰} خدا آنقدر به تو در روز قیامت عنایت می‌کند تا تو را راضی کند، امام می‌فرماید: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سرش را می‌گذارد به سجده، آنقدر این سجده را ادامه می‌دهد تا تمام کسانی که مسلمانند و به او اعتقاد دارند و بالاخره امیدی به او داشته‌اند و منتظر

۲۰ - سوره ضحی، آیه ۵.

شفاعت او بودند همه‌ی آن‌ها را شفاعت کند بعد سر از سجده بر می‌دارد. این معنای «وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» که امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: این آیه ارجی آیه است، امیدوارکننده‌ترین آیه است در قرآن.

۱۰- شفاعت حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام در قیامت

علی ابن ابیطالب علیه‌السلام دارای شفاعت کبری است. «قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ» است، یک روز اباصلت در خدمت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام وارد بر مأمون می‌شوند، مأمون سؤالات زیاد علمی دارد از حضرت رضا علیه‌السلام و

شاید در بنی‌العباس و خلفای عباسی باسوادترین آن‌ها است، یکی از سؤالاتش این است که شما چطور می‌گویید: علی ابن ابیطالب «قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ»^{۲۱} است، این روایت را سنی و شیعه نقل کرده‌اند و خیلی هم معروف است و معنایش را از ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام مکرر سوال کرده‌اند، من جمله این سؤال است. حضرت فرمود که مگر شما خودتان یعنی همه‌ی روات مگر نقل نکرده‌اند که حبّ علی ابن ابیطالب علیه‌السلام ایمان است و بغضش کفر است؟ گفت: چرا، حضرت فرمود: خب بهشت مال مؤمنین است و

۲۱ - بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۹۴.

جهنّم هم مال کفّار است، این طبیعی تقسیم می‌کند حبّ
علی‌ایطالب و بغض علی ابن ابیطالب علیه‌السلام جهنّم و
بهشت را. اباصلت خیلی خوشش آمد وقتی که آمدند بیرون
از منزل مأمون، اباصلت گفت: آقا جان خوب جواب دادید، ما
را خوشحال کردید، حضرت فرمود این جواب را به او دادم والاّ
روز قیامت علی ابن ابیطالب علیه‌السلام بین جهنّم و بهشت
می‌ایستد و به جهنّم خطاب می‌کند که «هَذَا لِي وَ هَذَا لَكَ»^{۲۲}
این مال من و این هم مال تو، این مسائل البتّه واقعش هم
همان جواب مأمون است، ولی دیگر حالا ایمان چقدر باشد.

۲۲ - بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۸۶.

علی ابن ابیطالب علیه السلام «قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ» است به
این طریق.

۱۱- شفات حضرت زهرا علیها السلام در قیامت

فاطمه ی اطهر سلام الله علیها روز قیامت شفاعت کبرایی دارد
که یک نفر از محبّین، محبّین فاطمه زهرا سلام الله علیها در
محشر باقی نمی ماند، مگر آنکه فاطمه اطهر سلام الله علیها او
را شفاعت می کند.

۱۲- شفاعت امام مجتبی علیه السلام در قیامت

امام مجتبی علیه السلام جزء شفعاء بزرگ عالم محشر و قیامت است، هر چه در دنیا به این بزرگوار بی محبتی کردند، حضرتش در روز قیامت محبت به مردم می کند و مردم را نجات می دهد.

۱۳- شفاعت امام حسین علیه السلام در قیامت

حضرت اُبی عبد الله الحسین علیه السلام که جانمان به قربانش! یکی از شفعاء بسیار بزرگ روز قیامت است که اگر کسی به قدر بالِ مگسی، که البته اعتقاداتش خوب باشد،

البته کارهایش صحیح باشد تا حدّی، اهل باطن باشد به قدر
بال مگسی اشک بر اُبی عبد الله الحسین علیه السّلام ریخته
باشد، حضرت او را به بهشت وارد می‌کنند. حتّی دارد در
روایت هست که شخصی می‌آید این میزان اعمالش، میزان
گناهانش بسیار سنگین است و در مقابل ثوابی ندارد، خوب
طبیعی است این خیلی مشکل پیدا می‌کند، می‌گویند که
یک چیزی باقی مانده یک قطره‌ی اشکی بر اُبی عبد الله
الحسین علیه السّلام ریخته آن را هم بیاورید، می‌گذارند در آن
کفه‌ی ترازو به اصطلاح، می‌گذارند در میزان، می‌بینند تمام آن
گناهان را از بین برد و راحتش کرد، لذا در دنیا بر اُبی عبد الله

الحسین علیہ السلام گریه کنید، این عزاداری ها خیلی ارزش دارد. عزاداری ها را منتهی آلوده به بعضی از رسومات و به بعضی از خرافات و به بعضی از مسائلی که موجب تنفر غیر مسلمان ها به اسلام بشود نکنید.

۱۴- شفاعت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در قیامت

حضرت ولی عصر و البته هر یک از ائمه علیهم السلام مردم زمان خودشان را اگر قابل شفاعت باشند شفاعت می کنند تا می رسد به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه. که ایشان همه ی دوستشان را، همه ی یاورانشان را، همه ی خدمتگزارانشان را،

تمام مردمی که بعد از ظهور آمده‌اند و نقصی در کارشان هست، فشاری که روی امام عصر ارواحنا فداه هست در شفاعت شاید درباره‌ی هیچ یک از انبیاء و ائمه نباشد، ایشان میدان‌دار روز قیامت است، البته ما در زمان غیبت واقع شدیم امام‌مان حجة بن الحسن هست حرفی در آن نیست ولی «نَشْكُو إِلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا وَ غَيْبَةَ إِمَامِنَا وَ قَلَّ عَدَدُنَا وَ كَثُرَ عَدُوُّنَا وَ تَظَاهَرَ الزَّمَانُ عَلَيْنَا»^{۲۳} «اللَّهُمَّ وَ كَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ نَشْهَدْهُ وَ آمَنَّا بِهِ وَ لَمْ نَرُودْ

۲۳ - امالی طوسی، ص ۴۳۲.

صِدْقًا وَ عَدْلًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»^{۲۴} حضرتش همه را با یک سرعت خیلی زیادی، چون آن‌هایی که در زمان غیبت واقع شده‌اند، در زمان ظهور واقع شده‌اند، آن‌هایی که بعد از ظهورند که بیشترشان، اکثریتشان اهل تزکیه‌ی نفس و کمالاتند، آن‌هایی هم که در زمان غیبت واقع شده‌اند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «وَ شَوْقًا إِلَى إِخْوَانِي»^{۲۵} چقدر من شوق دارم برادرانم را ببینم که سلمان می‌گوید: آقا مگر ما برادران شما نیستیم؟ حضرت می‌فرماید: نه، «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ

۲۴ - مصباح کفعمی، ص ۴۲۶.

۲۵ - تحصین ابن فهد حلی، ص ۲۳.

بِالْغَيْبِ»^{۲۶} آن‌هایی که ایمان به غیب آورده‌اند، آن‌ها برادران ما هستند، قدر خودتان را بدانید، یک وقتی، حتی یک سر سوزن در دلتان کینه، بی‌عدالتی، مسائل مختلفی که مربوط به قلبِ انسان است - چون قلب اگر خراب شد همه چیز انسان خراب است. حضرت ولی عصر ارواح‌نافداه همه را شفاعت می‌کند، همه‌ی یارانشان را، همه‌ی اصحاب‌شان را، همه‌ی مأمومینشان را شفاعت می‌کند، «وَ اشْفِئْنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ» (دعای ندبه) می‌روند در بهشت می‌ایستند، انسان از آن گرمای فوق‌العاده، از آن قیامت پُرفشار ناراحت کننده و از

۲۶ - سوره بقره، آیه ۳.

عبور از جهنّم با یک لب‌های عطشانی رسیده، خوب یک وقت هست می‌گویند: برو آب بخور، یک وقت هست نوکر را می‌گویند: برای این آقا آب بیاور، یک وقت هست خود آقا، بِكَأْسِهِ وَ بِيَدِهِ، خود آقا می‌گویند بایست، خسته شدی، اذیت شدی، از دنیا آمدی به اینجا، این همه راه آمده‌ای، یک جام آب با دستِ مبارک خودشان به انسان می‌دهند آن صورت مُلکیش هست حتّی، «بِكَأْسِهِ وَ بِيَدِهِ رَیَا رَوِیَا هَنِیئًا سَائِغًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ»^{۲۷} اصلاً تشنگی بعد از آن نخواهی داشت، هر آبی بعد از این آب بخوری چون آن نیست ولو آب‌های بهشت

۲۷ - بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۸.

همه‌اش یک طور است، امّا دیگر با دستِ امام زمان
ارواح‌نافته نیست، با آن محبّت فوق‌العاده نیست، آدم یک
نگاهی به صورت آقا می‌کند، آقا در عمرمان در دنیا آرزوی
یک لحظه‌ی ملاقات شما را داشته‌ایم حالا داری آب به ما
می‌دهی؟! نگاه به آقا می‌کند و مقداری آب می‌آشامد، طولش
می‌دهد، محبّت می‌کند، اظهار محبّت می‌کند و ان‌شاءالله
همه‌مان وارد بهشت می‌شویم و حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را
زیارت می‌کنیم، دیگر آنجا شکایتی ان‌شاءالله از ما نداشته
باشند که ما پیروان آن‌ها باشیم، پیروان آن دشمنانی باشیم که
در به پهلوی فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها زدند، مُحسنش را

سقط کردند، این روزها خاندان عصمت و طهارت
علیهم السلام را عزادار کرده اند امیدواریم ما جزء آن ها و پیروان
آن ها و تابعین آن ها نبوده باشیم «وَصَلَّى اللّٰهُ سَيِّدَنَا وَ مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ أَجْمَعِينَ»

«نَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ وَ نَدْعُوكَ بِأَعْظَمِ أَسْمَائِكَ وَ بِمَوْلَانَا
صَاحِبِ الزَّمَانِ يَا اللّٰهُ وَ يَا اللّٰهُ وَ يَا اللّٰهُ وَ يَا اللّٰهُ وَ يَا اللّٰهُ وَ يَا
اللّٰهُ وَ يَا اللّٰهُ، يَا اللّٰهُ، يَا رَحْمَنَ يَا رَحِيمَ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا
كَافِيَ الْمَهْمَاتِ عَجَلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ، عَجَلْ لِمَوْلَانَا الْفَرَجَ، عَجَلْ
لِسَيِّدِ الْفَرَجِ» خدایا فرج آقایمان را برسان. همه ی ما را از
بهترین یاران و اصحابش قرار بده. قلب مقدّسش را از ما

راضی بفرما. خدایا گرفتاری‌های مسلمین را برطرف
بفرما. همه‌ی شیعیان علی ابن ابیطالب علیه‌السلام را
مخصوصاً آن‌هایی که مسئولیت فوق العاده‌ای دارند موفق به
تزکیه نفس بفرما. خدایا به آبروی ولی عصر ارواحناده
خدمتگزاران به دین، خدمتگزاران به این مملکت شیعه‌نشین
همه را در پناه امام زمان ارواحناده حفظ بفرما. خدایا هر
کس قدمی برای تو، در راه تو بر می‌دارد پروردگارا اجر جزیل به
او مرحمت بفرما. مریض‌های روحی‌مان شفا مرحمت بفرما.
مریض‌های منظور، مریض منظور، مریض منظوره الساعه

لباس عافیت بیوشان. امواتمان و شهداءمان غریق رحمت
بفرما. عاقبتمان ختم بخیر بفرما.